



Persian Abstracts:

تأثیر مقایسه‌ای خوانش معلم‌محور و تعاملی بر مهارت‌های شنیداری و خواندن

انبسه نیک نهاد

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
encniknahad@gmail.com

زهره محمدی زنونق (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
Zohre.mohamadi@kiauo.ac.ir

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی مقایسه تأثیر روش سنتی تدریس درک مطلب خواندن توسط معلم و تدریس درک مطلب به روش همکاری و همفکری زبان‌آموزان بر درک مطلب شنیداری بوده است. بدین منظور ۴۰ زبان‌آموز دختر با دانش زبانی متوسط که بین ۱۵ تا ۱۷ سال سن داشته و در آموزشگاه زبان انگلیسی در کرج تحصیل می‌کردند انتخاب شدند. بدین منظور، در ابتدای تحقیق از یک آزمون تعیین سطح استفاده شد و پس از انتخاب شرکت‌کنندگان در تحقیق، آن‌ها به دو گروه تقسیم شدند: یک گروه روش سنتی تدریس درک مطلب خواندن توسط معلم و گروه دیگر تدریس درک مطلب به روش همکاری و همفکری زبان‌آموزان. در هر دو گروه یک پیش‌آزمون و یک پس‌آزمون درک مطلب شنیداری و خواندن از شرکت‌کنندگان گرفته شد تا بتوان میزان پیشرفت زبان‌آموزان را سنجید. در انتها برای بررسی عملکرد دو گروه و پاسخ به سوالات تحقیق، از تحلیل واریانس دوسویه سنجش مکرر و همچنین تحلیل واریانس چندسویه سنجش مکرر استفاده شد. مهم‌ترین یافته‌ی این تحقیق این است که دو نوع روش تدریس تأثیر قابل توجهی در بهبود عملکرد زبان‌آموزان در مهارت‌های شنیداری و خواندن داشتند. لازم به ذکر است که میزان تفاوت تأثیری که دو تدریس بر عملکرد زبان‌آموزان داشتند قابل ملاحظه بود، یعنی تدریس درک مطلب به روش همکاری و همفکری زبان‌آموزان تأثیر بیشتری بر عملکرد دانش‌آموزان داشت.

واژگان کلیدی: خواندن معلم‌محور، خواندن تعاملی، مهارت‌های خواندن و شنیدن

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: دوشنبه، ۱۷ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: جمعه، ۸ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: جمعه، ۸ اسفند ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.26943.1203

آگاهی و به‌کارگیری شهروندی دیجیتال توسط فراگیران و مدرسان ایرانی زبان انگلیسی

خدیجه کریمی علویجه (نویسندهٔ مسئول)

گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

karimi@alzahra.ac.ir

عاطفه عبدالهی

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

a.abdolahi@student.alzahra.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر واگوی قوم‌نگارانه اینترنتی است که در فضای پیام‌رسان اجتماعی تلگرام با هدف بررسی میزان آشنایی فراگیران و معلمان ایرانی زبان انگلیسی با قواعد و هنجارهای شهروندی دیجیتال، نحوه به‌کارستن آن، و چگونگی بهبود این نگرش و کاربرد صورت گرفته است. بدین منظور، هشت گروه تلگرامی مرتبط با آموزش زبان انگلیسی ویژه دانش‌آموزان و معلمان، مجموعاً با ۲۷۳۵ عضو، به مدت یک سال، مورد مشاهده دقیق قرار گرفتند. برای تأمین چندسونگری، یادداشت‌برداری زمینه‌ای، یادداشت‌های کوتاه شخصی، و مصاحبه‌های شبه ساختارمند با اعضای این گروه‌ها انجام شد. داده‌های حاصله به صورت ۹۰۰۰ صفحه متن شامل گفتگوهای مبادله شده در گروه‌ها، یادداشت‌ها، و مصاحبه‌ها به وسیله روش تحلیل محتوای کیفی هدایت شده و بر مبنای مدل شهروندی دیجیتال ریبیل (۲۰۱۱) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. مقوله‌های استخراجی حاکی از آن بودند که علیرغم اهمیت چشمگیر مفهوم شهروندی دیجیتال در دنیای آمیخته با فناوری کنونی و استفاده فراوان فراگیران و معلمان زبان انگلیسی از فناوری‌های بی‌نظیر پیام‌رسان‌ها، گروه‌های مورد بررسی فاقد مهارت‌های لازم جهت حضور مناسب و موثر در محیط‌های دیجیتال، و در نتیجه در معرض خطرات و آسیب‌های ناشی از آن هستند. پژوهش حاضر، متضمن نکات متعددی برای فراگیران و معلمان زبان انگلیسی، سیاست‌گزاران و متخصصین برنامه‌ریزی آموزشی است که مهمترین آنها، ضرورت آموزش شهروندی دیجیتال در واحدهای آموزشی مدارس، موسسات آزاد زبان، واحدهای آموزش زبان به کمک فناوری، و دوره‌های تربیت معلم زبان انگلیسی است.

واژگان کلیدی: معلمین زبان انگلیسی، فراگیران زبان انگلیسی، شهروندی دیجیتال، تحلیل محتوای کیفی، قوم‌نگاری اینترنتی

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: چهارشنبه، ۲ مهر ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: یکشنبه، ۱ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: یکشنبه، ۱ فروردین ۱۴۰۰

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.26962.1217

شابای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۳-شابای چاپی: ۲۳۸۳-۵۹۱۸

تأثیر ارزشیابی پویای گروهی و ارزشیابی پویای رایانه-محور بر دقت و سرعت درک

منظورشناختی زبان آموزان ایرانی در زبان انگلیسی

علی مالمیر (نویسندهٔ مسئول)

استادیار زبان‌شناسی کاربردی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه

بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

malmir@hum.ikiu.ac.ir ; a.malmir1@gmail.com

پریسا مظلوم

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

parisa.mazloom@yahoo.com

چکیده

بیشتر زبان‌آموزان زبان خارجه از ناکارآمدی‌های بسیاری در درک منظورشناختی خود که هم ناشی از آموزش صریح کمتر و نیز نتیجه خ پیچیدگی‌ها و چند وجهی‌بودن فرایند درک منظورشناختی است، رنج می‌برند. بنابراین مطالعه حاضر تلاش کرده‌است که تأثیر آموزش صریح به کمک دو نوع ارزشیابی پویا را بر دقت و سرعت درک منظورشناختی زبان دوم بسنجد. یک گروه ۵۲ نفره از زبان‌آموزان دختر سطح متوسطه پیشرفته زبان انگلیسی که بر اساس روش در دسترس بودن انتخاب و سپس به صورت تصادفی به سه گروه ارزشیابی پویایی گروهی، ارزشیابی پویایی رایانه-محور، و گروه گواه غیر ارزشیابی پویا تقسیم شده بودند، در این مطالعه شرکت کردند. آزمون شنیداری درک منظورشناختی شامل ۲۲ سوال در برگرفته کنش‌های کلامی تقاضا، معذرت‌خواهی، رد تقاضا، و سلام و احوالپرسی که توسط معلم طراحی و اعتبارسنجی شده بود، به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت و سپس آموزش‌های سه‌گانه بر اساس روش‌های مطرح‌شده در این مطالعه به مدت ۱۴ جلسه ارائه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که هر دو گروه ارزشیابی پویا توانستند دقت درک منظورشناختی را به طور معناداری بهتر از آموزش سنتی غیر ارزشیابی پویا ارتقا دهند. گروه ارزشیابی پویای رایانه-محور عملکرد معنادار قوی‌تری از گروه ارزشیابی پویایی گروهی داشت. اما فقط ارزشیابی پویای رایانه-محور توانست سرعت درک منظورشناختی زبان‌آموزان را به طور معناداری نسبت به دو گروه دیگر کاهش دهد. طبق نتایج این مطالعه، استفاده از ارزشیابی پویای رایانه‌محور توسط می‌تواند دقت و سرعت درک منظورشناختی زبان‌آموزان را ارتقاء دهد.

واژگان کلیدی: ارزشیابی پویای گروهی، ارزشیابی پویای رایانه-محور، دقت درک منظورشناختی، سرعت درک منظورشناختی، کنش کلامی

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: یکشنبه، ۴ آبان ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: جمعه، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: جمعه، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

شناسهٔ دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.26985.1222

شاپای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۲-شاپای چاپی: ۵۹۱x-۲۳۸۲

استفاده از انگاره‌ی چند وجهی راش جهت بررسی مقالات دانشجویان کارشناسی زبان انگلیسی در آزمون‌های مصحح‌محور

رجب اسفندیاری

دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران

esfandiari@hum.ikiu.ac.ir

چکیده

در آزمون‌های مصحح‌محور، نمراتی که به عملکرد کتبی و یا شفاهی زبان‌آموزان داده می‌شود لزوماً منعکس‌کننده توانایی زبانی آنها نیست بخاطر اینکه عوامل دیگری می‌تواند نتایج نهایی توانایی زبان‌آموزان را تحت تأثیر قرار بدهد. سلیقه‌ای عمل کردن مصحح‌ها و مقیاس‌های نمره دهی از عوامل تأثیرگذار بر توانایی زبان‌آموزان است. هدف از مطالعه حاضر نیز بررسی این عوامل در نمراتی است که به مقالات آنها داده می‌شود. به همین منظور، از ۱۵۰ مصحح ایرانی خواسته شد تا ده مقاله‌ای را که دانشجویان در درس «مقاله‌نویسی» در مقطع کارشناسی نوشته بودند با استفاده از مقیاس‌های نمره‌دهی و معیارهای ارزشیابی مورد بررسی قرار بدهند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار فاستس مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که مصححان درجات مختلفی از سخت‌گیری را در هنگام نمره‌دهی اعمال می‌کردند. نتایج مطالعه همچنین حاکی از این بود که مصححان نسبت به مقیاس اندازه‌گیری کلی نگر سوگیری نشان دادند. کاربردهای آموزشی نتایج مطالعه در جهت کاهش سوگیری مصححان نسبت به مقیاس‌های نمره‌دهی و معیارهای ارزشیابی جهت بهبود نمرات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مقیاس کلی‌نگر، مقیاس جزئی‌نگر، سوگیری، سلیقه‌ی مصحح، سخت‌گیری

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: شنبه، ۲۲ آذر ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: جمعه، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: جمعه، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.27032.1234

شایای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۳ شایای چاپی: ۵۹۱۸-۲۳۸۳

تحلیل ثماتیک کیفی در مورد چگونگی تغییر هویت معلمان ضمن تغییر از آموزش عربی یا فارسی به انگلیسی

فرزاد رستمی

گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بانه

farzadr79@gmail.com

محمدحسین یوسفی (نویسنده مسئول)

گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بانه، بانه، ایران

mhh.yousefi@gmail.com

داود امینی

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

davoudamini2014@gmail.com

چکیده

تحقیقات مختلفی در مورد نحوه (باز)ساخت هویت معلمان انجام شده است. با این حال، مطالعه‌ای که بهبود هویت را از طریق تغییر در آموزش نوع زبان بررسی می‌کند، انجام نشده است. بنابراین، مطالعه کیفی حاضر به منظور بررسی توسعه هویت حرفه‌ای معلمان ایرانی که بیش از شش سال قبل از ورود به حرفه تدریس زبان انگلیسی، به زبان‌های عربی یا فارسی تدریس کرده بودند، پرداخت. یازده معلم ایرانی که در حال حاضر مشغول تدریس هستند از طریق نمونه‌گیری هدفمند در این مطالعه شرکت کردند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های عمیق، روایت‌های معلمان و مصاحبه‌های گروه متمرکز استفاده شده است. تجزیه و تحلیل ثماتیک داده‌ها که از طریق نظریه هویتی بورک و استس (۲۰۰۹) انجام شد، سه تم اصلی را نشان داد: تغییر هویت، توسعه هویت، و هویت زایا. نتایج نشان می‌دهد که یادگیری حرفه‌ای معلمان نیاز به بازسازی ادراک آنها از هویت دارد و ساخت هویت جدید به نوبه خود منجر به پیشرفت حرفه‌ای معلمان و یادگیری سازنده آنها خواهد شد. مطالعه حاضر به دانش موجود در مورد هویت حرفه‌ای معلمان کمک می‌کند از این رو که تغییر در زبان‌هایی که معلمان تدریس می‌کنند منجر به بازسازی سودمندانه هویت حرفه‌ای آنها می‌شود و در نتیجه فرصت‌های بیشتری جهت پیشرفت حرفه‌ای فراهم می‌شود. این نتایج برای سیاست‌گذاران آموزشی، مربی معلمان و معلمان زبان مفید خواهد بود.

واژگان کلیدی: هویت حرفه‌ای، تغییر هویت، تحلیل ثماتیک، آموزش معلم، توسعه معلمی

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: چهارشنبه، ۸ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: یکشنبه، ۱ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: یکشنبه، ۱ فروردین ۱۴۰۰

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.27098.1255

شاپای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۲۳ شاپای چاپی: ۵۹۱۸-۲۳۲۳

استعاره‌های مفهومی «آیریلیق» در شعر ترکی آذربایجانی

مصطفی شهیدی تبار (نویسنده مسئول)

استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
mostafa.shahiditabar@gmail.com; shahiditabar@isu.ac.ir

حسین پورقاسمیان

استادیار آموزش زبان انگلیسی، مرکز آموزش زبان، دانشگاه صنعتی قم، قم، ایران
Pourghasemian@qut.ac.ir

چکیده

مطالعه حاضر به کنکاش استعاره‌های مفهومی آیریلیق (جدایی) در اشعار ترکی آذربایجانی با هدف کشف رابطه میان عبارات استعاری، فرهنگ، محیط زیست و موضوع بدنمندی می‌پردازد. پیکره مورد بررسی در این مطالعه اشعار ترکی شهریار و نیز ۷ شاعر دیگر آذربایجان است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آیریلیق از طریق ۱۱ استعاره در اشعار ترکی بیان می‌شود: ۱. آیریلیق انسان/جاندار است، ۲. آیریلیق درد است، ۳. آیریلیق نیروی طبیعی است، ۴. آیریلیق آتش است، ۵. آیریلیق شی‌ابزار است، ۶. آیریلیق پاییز است، ۷. آیریلیق ظلم است، ۸. آیریلیق مرگ است، ۹. آیریلیق مسافرت است، ۱۰. آیریلیق مکان/طرف است، و ۱۱. آیریلیق قیامت است. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد که در بیشتر استعاره‌ها، طرحواره‌های فرهنگی-زیستی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر، استعاره‌های مورد بررسی در این تحقیق متأثر از فرهنگ و محیط زیست شاعر است. همچنین این مطالعه نشان می‌دهد که استعاره‌های مفهومی نتیجه تجربیات بدنمند می‌باشد؛ همانند استعاره‌های مربوط به آیریلیق انسان/جاندار است.

واژگان کلیدی: استعاره‌های مفهومی، زبان‌شناسی شناختی، زبان ترکی آذربایجانی، شعر، آیریلیق

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: یکشنبه، ۲ آذر ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: پنجشنبه، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: پنجشنبه، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.27019.1233

شابای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۳-شابای چاپی: ۵۹۱۸-۲۳۸۳

گفتمان انواع انتروپی در رمان «وی» نوشته توماس پینچن

مهدی آذری سامانی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیخ بهایی، اصفهان، ایران

mehdiazari@shbu.ac.ir ; mehdiazari59@gmail.com

چکیده

این مقاله، رمان «وی» (۱۹۶۱) نوشته توماس پینچن را از دو دیدگاه متضاد علمی مورد تحلیل قرار داده و نتیجه‌گیری می‌کند که پینچن سعی دارد با بکارگیری فرمول‌های پیچیده علمی در سطح معنایی زبان به دنیای به ظاهر بی‌معنا هدف و معنایی نو ببخشد. رمان «وی» توسط بسیاری منتقدین به عنوان یک متافیکشن تاریخ نگارانه شناخته می‌شود که حول محور ایجاد یک خوانش جدید از استعمار ابتدای قرن ۲۰ اروپا می‌گردد که تحت تاثیر روش داستان‌نویسی پسامدرنیستی توماس پینچن به این دوران خاص تاریخی رنگ و بوی عدم قطعیت در بیان واقعیات و مسائل می‌بخشد. این مقاله اثبات می‌کند که گرچه پینچن با استفاده از تکنیک‌های رمان‌نویسی پسامدرن شهرآشوبی عدم قطعیت و فرار از معنا را ایجاد می‌کند، در پس زمینه، نقشه مخفی رسیدن به معنا را نگه داشته. این نقشه مستتر، خواننده را به سمت نوعی قطعیت در ورای آشوب متن سوق می‌دهد. برای این منظور رویکرد اصلی این مقاله بر روی نظریه اطلاعات کلود شانون استوار گشته است.

واژگان کلیدی: انتروپی در نظریه آشوب، انتروپی در تئوری اطلاعات، سرو صدا، معنا

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: شنبه، ۲۶ دی ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: جمعه، ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: جمعه، ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.27088.1251

شاپای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۳-شاپای چاپی: ۵۹۱۱-۲۳۸۳

کافه به عنوان مکانی دوگانه در «مدراتو کانتابیله» مارگارت دوراس

ساناز ساعی دیباور

مدرس مدعو گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

sanaz.saei@outlook.com

سارا ساعی دیباور (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

s.saei@umz.ac.ir ; saei_sarah@yahoo.com

چکیده

این مقاله به بررسی نقش دوگانه کافه در تهییج، شکوفایی، و سرکوبی عشق ممنوعه در ملاً عام، در رمان «مدراتو کانتابیله» مارگاریت دوراس (۱۹۵۸)، می‌پردازد. به منظور تحلیل این اثر، دوراس و بررسی قوانین و کدهای اجتماعی تحمیل شده به افراد و نحوه اداره جامعه به واسطه آن‌ها، از نظریه میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی، درباب شیوه کنترل از طریق (ساختار) سراسربین (Panopticon) بهره جستیم. مقصود از این تحلیل، تاکید بر این نکته است که شیوهی نوشتاری دوراس همواره نگاه خیره اجتماعی صامت ولی تاثیرگذار را در هر ملاقات ممنوعه بین دو شخصیت اول داستان به تصویر می‌کشد. بدین‌سان، رمان دوراس، علیرغم کم‌گویی ظاهری‌اش، حضور فراگیر و فعال قوانین بورژوازی را نشان می‌دهد که در تار و پود جامعه بورژوازی تنیده شده‌اند. عملکرد موفق این قوانین تحمیلی، که بر اساس گفتمان حقیقت و قدرت در جامعه شکل گرفته‌اند، از طریق ابزار تفتیش موجود در فضاهاى عمومی نظیر کافه (که نقش دوگانه‌اش به آن اجازه می‌دهد از یک سو عشق و طلب ممنوعه را رشد دهد و از سوی دیگر شعله‌هایش را خاموش کند) سرکوبی عشق ممنوعه را تضمین می‌نماید.

واژگان کلیدی: «مدراتو کانتابیله»، مارگاریت دوراس، بورژوازی، میشل فوکو، سراسربین، عشق و طلب

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: یکشنبه، ۱۹ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: جمعه، ۱ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: جمعه، ۱ اسفند ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.26905.1189

شاپای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۳-شاپای چاپی: ۵۹۱۱-۲۳۸۳

ارزیابی رمان «کشتن پرنده مقدس» از منظر روش نقد خواننده محور

سعید رحیمی پور (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فرهنگیان
srahimipoor@cfu.ac.ir

محمد رضا خدا دوست

استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
m.khodadoost@cfu.ac.ir

چکیده

آثار ادبی بسته به منظر خواننده متفاوت مورد بحث قرار گرفته اند. این تحقیق تلاش کرده است تا تفسیر رمان «کشتن پرنده مقدس» را پیش رو گذارد. در ابتدا، ۳۰ دانشجوی رشته زبان انگلیسی بر اساس روش نمونه‌گیری گروهی ساده انتخاب شدند که در دانشگاه فرهنگیان مشغول به تحصیل بودند. سپس متن پی دی اف داستان در اختیار آنها قرار گرفت و بعد از چند هفته مطالعه به فواصل معین فیلم رمان برای دانشجویان پخش شد. بعد از آن با استفاده از روش نقد خواننده محور از دانشجویان خواسته شد تا نظرات، برداشت‌ها، چشم‌اندازهای اینکه آنها چه کسی هستند، کدام یک و چه چیزی مصداق پرنده مقدس هستند مورد بارش فکری قرار گرفتند. تحلیل محتوایی کمی و کیفی نوشته‌های آنها تفسیرهای جذابی را پیش رو گذاشت که چه چیزهایی سمبل پرنده مقدس بودند. بخش پایانی مقاله یافته‌ها و پیامدها را مورد بحث قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تفسیر، چشم‌انداز، «کشتن پرنده مقدس»، روش خواننده محور

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: جمعه، ۲۴ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: جمعه، ۸ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: جمعه، ۸ اسفند ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.26911.1191

شاپای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۳-شاپای چاپی: ۲۳۸۳-۵۹۱۸

قصر ماه نوشته پل آستر، بازخوانی از دیدگاه اگزیستانسیالیسم

امین خانبازیان

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تبریز

khanbazian.amin@gmail.com

حسین صبوری (نویسنده مسئول)،

دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

sabouri@tabrizu.ac.ir

چکیده

به عنوان یکی از آثار مهم نوشته شده در اواخر قرن بیستم، «قصر ماه»، با تمرکز بر مسئله هویت و چگونگی شکل‌گیری آن، و هم‌چنین نمایش دشواری‌های شخصیت اصلی در این مسیر، دنبال‌کننده دیگر آثار پل آستر به شمار می‌آید. با نگاه بر زندگی مارکو فاق به عنوان شخصیت اصلی داستان، تلاش بر این بوده است که جنبه‌های اگزیستانسیالیسم این رمان مورد اشاره قرار گیرد. با این حال، هدف از این مقاله، فاصله گرفتن از خوانش روانشناسی و جامعه‌شناسی بر پایه ایده‌های جیمز مارسیا است و در اینجا تلاش بر بررسی آن از دیدگاه اگزیستانسیالیسم با استفاده از ایده‌های نظریه پردازانی همچون هایدگر و سارتر است. در همین راستا، نظریه معروف شکل‌گیری هویت که توسط مارسیا معرفی شده است همخوانی‌هایی با اندیشه‌های هایدگر و سارتر که در مورد انسان و یا دازاین، و وجود آنها در این دنیا است، دارد. در مسیر این تحقیق، هر مرحله از شکل‌گیری هویت شخصیت اصلی داستان از دیدگاه‌هایی نظیر «پرتاب‌شدگی»، «عدم وجود» و «ایمان بد» مورد بررسی قرار گرفته است. حاصل این تلاش، ترسیم بعدهای مختلف دیدگاه اگزیستانسیالیسم در این رمان بوده که کمتر مورد توجه محقق قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: دازاین، هایدگر، هویت، عدم وجود، پل آستر

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: دوشنبه، ۲۶ آبان ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: دوشنبه، ۲۳ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: دوشنبه، ۲۳ فروردین ۱۴۰۰

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.27002.1229

شاپای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۲۸۳-شاپای چاپی: ۵۹۱۸-۲۲۸۳

پژوهشی در زبان و جنسیت در رمان‌های «شب‌های تهران» و «عزاداران بیل»

شیرزاد طایفی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی،

دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

taefi@atu.ac.ir

چکیده

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند میان زبان و نوشتار زنان و زبان و نوشتار مردان، تفاوت وجود دارد. در این مقاله زبان زنانه و مردانه در رمان «شب‌های تهران» نوشته غزاله علیزاده و «عزاداران بیل» نوشته غلامحسین ساعدی بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسان اجتماعی از منظر دستور زبان مقایسه شده است تا میزان تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان داستان و میزان موفقیت نویسنده در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌های هم‌جنس و غیرهم‌جنس، ارزیابی شود. برای این منظور، زبان زنانه و مردانه در حیطه دستور زبان بر اساس متغیرهای زیر مورد بررسی قرار گرفت؛ واژگان از قبیل: دش‌واژه‌ها، سوگندواژه‌ها، رنگ‌واژه‌ها و جملات از قبیل: تعدیل‌کننده‌ها و تصدیق‌گرها. یافته‌ها نشان می‌دهد، زبان شخصیت‌ها تحت تأثیر جنسیت نویسندگان قرار دارد و کلیشه‌های زبان زنانه در این آثار با بسامد بیشتری تکرار شده است. همچنین بر اساس متغیرهای فوق مشخص شد، نویسندگان از بسیاری جهات توانسته‌اند زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ایجاد کند. در پاره‌ای موارد که تناسبی بین زبان و جنسیت، به‌ویژه در شخصیت‌های زن دیده نمی‌شود، بیشتر به دلیل روحیات نویسنده و تعمد اوست که خواسته زنان را در برابر سلطه‌گری جامعه مردسالار حاکم فراهنجار نشان دهد.

واژگان کلیدی: غلامحسین ساعدی، غزاله علیزاده، «شب‌های تهران»، «عزاداران بیل»، زبان، جنسیت

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: پنجشنبه، ۲۴ مهر ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: پنجشنبه، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: پنجشنبه، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.26979.1219

شابای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۳-۵۹۱۸-۲۳۸۳

تعلل در فرآیند زبان آموزی: راهکاری سازنده یا فقط زمان سوزی مخرب

صابر خوئی اسکوئی

گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
saberkh1983@gmail.com

سعیده آهنگری (نویسنده مسئول)

گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
saeideh.ahangari@gmail.com

زهره سیفوری

گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
Zseifoori2005@yahoo.com

چکیده

افراد بسیاری قادر نیستند مسئولیت‌هایی که برعهده آنها گذاشته شده را در موعد مقرر انجام دهند یا حداقل آن را در لحظه‌ی آخر فرجه تعیین شده انجام می‌دهند. آنچه اصطلاحاً تعلل نامیده می‌شود، در انجام فعالیت‌های آکادمیک معمولاً پدیده‌ای ناامید کننده محسوب می‌شود که اکثراً منجر به نتایج ناخوشایندی می‌گردد. با وجود این، برخی از دانشجویان معتقدند که انجام فعالیت‌ها در آستانه‌ی اتمام فرجه، نتایج بهتری را در بر دارد. محققان در مطالعه‌ی حاضر با تمرکز بر زبان‌آموزان انگلیسی و استفاده از روش تئوری داده بنیاد کلاسیک به بررسی این مساله پرداختند که آیا تعلل همیشه تاثیر مخربی بر عملکرد و رفتار زبان‌آموزان دارد یا اینکه می‌تواند به عنوان راهکاری برای کسب نتایج بهتر استفاده گردد. برای انجام این کار، آنها با ۴۳ زبان‌آموز در سطوح متوسط تا پیشرفته و دارای سابقه‌ی تعلل مصاحبه کرده و با استفاده از روش مقایسه‌ی مداوم، اطلاعات جمع‌آوری شده را طی سه مرحله کدگذاری (باز، انتخابی و تئوریک) تحلیل نمودند. نتایج نشانگر این بود که اگرچه اکثر مصاحبه شونده‌گان نتایج مخرب تعلل بر یادگیری زبان را نفی نمودند، تعدادی از آنها به نتایج سازنده‌ی آن در یادگیری اشاره کردند. همچنین برخی راهکارها برای تعدیل تاثیرات مخرب تعلل و حتی تبدیل آنها به نتایج سازنده از بین اطلاعات جمع‌آوری شده ظاهر گردید. بدین ترتیب، تحقیق حاضر به ساخت تئوری داده بنیاد «تعلل در یادگیری زبان» منجر شد. تئوری مذکور دو زمینه‌ی نتایج و راهکارها را پوشش می‌دهد و می‌تواند افق جدیدی را در برخورد با رفتار تاخیری زبان‌آموزان گشایش نماید.

واژگان کلیدی: تئوری داده بنیاد کلاسیک، تعلل، تعلل مخرب در یادگیری زبان، تعلل سازنده در یادگیری زبان، راهکارهای غلبه

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: یکشنبه، ۱۶ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ تصویب: جمعه، ۸ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین: جمعه، ۸ اسفند ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال مقاله: 10.22049/JALDA.2021.26939.1202

شابای الکترونیکی: ۲۴۶۰-۲۳۸۲-شابای چاپی: ۵۹۱۸-۲۳۸۲